

# قلب تاب آوری

بحران زیست محیطی  
به عنوان کاتالیزوری  
برای فرهنگ برابری

بیانیهٔ جامعهٔ جهانی بهائی خطاب به شصت و ششمین نشست  
کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد



# قلب تاب آوری

بحران زیست محیطی  
به عنوان کاتالیزوری برای فرهنگ برابری

بیانیهٔ جامعهٔ جهانی بهائی خطاب به  
شصت و ششمین نشست  
کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد

در جهانی که خطرات قریب الوقوع تغییرات اقلیمی هر روز بیش از پیش بر زندگی بشر سنگینی می‌کند، واقعیتی دوگانه نمایان است: از یک سو زنان به طور نامتناسب از پیامدهای تغییرات اقلیمی آسیب می‌بینند و از سوی دیگر در موقعیتی منحصربه‌فرد برای رهبری تلاش‌ها در پاسخ به این بحران قرار دارند. در پی فجایع ناشی از تغییرات اقلیمی، بخشی از مردم، به ویژه زنانی که معیشت‌شان به پایداری و سلامت زیست‌بوم‌ها

وابسته است، از منبع معاش خود محروم می‌شوند. بسیاری دسترسی خود به زمین، سرپناه و نیز حمایت یا امنیت مالی را از دست می‌دهند. آسیب‌پذیری‌ها به ویژه در اجتماع‌هایی عمیق‌تر می‌شود که از پیش در تحقق کامل ظرفیت‌های زنان ناکام بوده‌اند. با این حال، زنان صرفاً قربانی نیستند. بینش‌های آن‌ها گسترهٔ تجربهٔ انسانی را شکل می‌دهد و ترسیم تصویری کامل‌تر از واقعیت را ممکن می‌سازد.

بینش‌های زنان  
گسترهٔ تجربهٔ انسانی  
را شکل می‌دهد  
و ترسیم تصویری  
کامل‌تر از واقعیت را  
ممکن می‌سازد.

زنان که اغلب به شبکه‌هایی گسترده متصل هستند، بخشی جدایی‌ناپذیر از فرایندهای مرتبط با شکوفایی جوامع، راه‌حل‌های جامعه‌محور و بسیج اجتماعی هستند. زنان در سراسر جهان - خواه به‌عنوان رهبران اندیشه اقتصادی، سیاست‌گذاران، فعالان اقلیمی، کشاورزان خرد و یا در بی‌شمار جایگاه دیگر - در حوزه‌هایی چون اقدام

دو عرصه اقدام ضروری است: افزایش حضور زنان در جایگاه‌های رهبری و فراهم کردن شرایط برای مشارکت معنادارتر آنان در جامعه.

اقلیمی، مدیریت منابع طبیعی، امنیت غذایی و نوآوری علمی در راستای راه‌حل‌های پایدار، مشارکت‌های چشمگیری دارند. تجربیات آن‌ها، چه جوان و چه سالخورده، بصیرتی عمیق برای حفاظت از خانه مشترک بشریت، نسل‌کنونی و نسل‌های آینده ارائه می‌دهد. برای بهره‌گیری کامل از توان بالقوه زنان، دست‌کم در دو عرصه اقدام ضروری است: افزایش حضور زنان در جایگاه‌های رهبری و فراهم کردن شرایط برای مشارکت معنادارتر آنان در جامعه.

در میانه مخاطرات فزاینده اقلیمی، هر روز روشن‌تر می‌شود که پذیرش و تقویت رهبری زنان در همه سطوح اجتماع از خانواده و جامعه گرفته تا حکومت‌های محلی، شرکت‌ها و سطح ملی، تا چه اندازه به سود بشریت است. ویژگی‌های رهبری که معمولاً مردانه تلقی می‌شوند، مانند قاطعیت و رقابت‌جویی، در صورتی که با ویژگی‌هایی که اغلب زنان دانسته می‌شوند، همچون تمایل به همکاری، شمول‌پذیری و روحیه مراقبت و از خودگذشتگی، همراه نشوند، اثربخشی محدودی دارند. اولویت دادن به منافع بلندمدت، توجه به رفاه نسل‌های آینده و بررسی پیامدهای انسانی سیاست‌ها، به‌طور فزاینده به‌عنوان ابزارهای ضروری برای تدوین برنامه‌ها و راهبردهای آگاه به محیط‌زیست با هدف ساخت

جوامع تاب‌آورتر شناخته می‌شوند. البته این ویژگی‌ها می‌توانند در رهبران، فارغ از جنسیت، ظاهر شوند. با این حال، با افزایش مشارکت زنان در نقش‌های رهبری، این ویژگی‌ها به‌طور مستمر بر فرهنگ رهبری اثر می‌گذارند و راهبردهای عملی را تعریف می‌کنند.

ایجاد فرصت برای مشارکت زنان در سطوح مختلف حکمرانی و نیز در نقش‌های گوناگون در جامعه، برای تضمین اینکه تجربه‌های آنان هرچه بیشتر در تصمیم‌های مهم لحاظ شود، نقشی حیاتی خواهد داشت. با این حال، برای آنکه مشارکت معنادار زنان به‌طور کامل تحقق یابد، پایبندی به اصل برابری جنسیتی باید آگاهانه در تار و پود فرایندهای حکمرانی تنیده شود و نظام‌های موسساتی نیز به گونه‌ای بازآرایی گردند که روابط مبتنی بر عدالت را پدید آورند. باید امکان مشارکت فعال زنان در شکل‌دهی به فضاهای تصمیم‌گیری تضمین شود. همچنین لازم است در هر فضای مشورتی این درک وجود داشته باشد که برای بررسی مؤثر چالش‌های اجتماعی، حضور دیدگاه‌های متنوع ضروری است. این امر بخشی از فرایند دگرگونی فضاهایی است که به‌طور تاریخی در سلطه مردان بوده‌اند به محیط‌هایی شمول‌گرا، که در آن‌ها همه افراد برای مشارکت احساس توانمندی کنند و مردان نیز با روحیه تفاهم، به مشورت حقیقی

و همکاری مؤثر با زنان روی آورند. هنگامی که مشارکت منحصربه‌فرد هر فرد در پیشرفت جمعی مورد توجه و قدردانی قرار گیرد، پایه‌های اعتماد، که برای تاب‌آوری هر جامعه‌ای ضروری است، نه فقط در میان افراد، بلکه در موسسات متعهد به رفاه و آسایش همگان نیز مستحکم‌تر می‌شود. در این صورت، برقراری روابط بالغانه‌تر در نظام‌های حکمرانی هم به بخشی از فرایند

در سطح جهانی،  
وجود سیاست‌های  
بین‌المللی مبتنی  
بر عدالت، انصاف و  
کرامت انسانی برای  
زمینه‌سازی فرهنگ  
برابری ضروری است.

تدوین سیاست‌های مؤثر در برابر پیامدهای تغییرات اقلیمی تبدیل می‌شود و هم به نتیجه آن.

برای تحقق تحولی پایدار، باید تعهدی فراگیر نسبت به برابری جنسیتی در سطح اجتماع شکل بگیرد و اراده‌ای استوار برای ساختن حیات عمومی بر پایه همکاری فعال و پویای زنان و مردان در تمامی عرصه‌ها نهادینه شود. در سطح جهانی، وجود سیاست‌های بین‌المللی مبتنی بر عدالت، انصاف و کرامت انسانی برای زمینه‌سازی فرهنگ برابری ضروری است. همچنین ایجاد موسسات جهانی با هدف سیستماتیک‌سازی بینش‌های حاصل از تجربه‌های محلی نیز اهمیتی اساسی دارد. از این رو، تلاش‌ها برای پیشبرد برابری جنسیتی

باید به همان اندازه که در سطح بین‌المللی دنبال می‌شود، در سطح محلی نیز مورد توجه قرار گیرد. برای نمونه، در شهر دلی در تیمور شرقی، تلاش برای ایجاد الگویی یکپارچه از حیات جامعه شش ماه پیش از وقوع یک طوفان ویرانگر، به افزایش تاب‌آوری آن جامعه کمک کرد. یکی از اعضای این جامعه بیان داشت: «در همین مدت کوتاه آموختیم چگونه به صورت یک کل واحد کنار هم خدمت کنیم. هر روز اقدام می‌کنیم، درباره آن می‌اندیشیم و برای روز بعد

جامعه، یکی از اجزای سازنده عرصه جهانی، می‌تواند فضایی فراهم کند که در آن شیوه‌های بدیل، شمول‌پذیر و مبتنی بر همکاری زندگی مجال بروز بیابد؛ جایی که مردان زنان را شریکانی برابر می‌بینند و زمینه توان‌افزایی همگان برای پرورش توانایی‌های رهبری فراهم می‌شود.

برنامه‌ریزی می‌کنیم.» این شیوه مشارکتی، که از تصورات پیشین درباره پیشرفت فاصله گرفته است، باعث رشد مهارت‌ها و ایجاد شبکه‌هایی شد که امکان ایجاد ساختارهای امدادی برای توزیع غذا و سایر کالاهای

اساسی را فراهم کرد. این افراد بدون انتظار دریافت دستمزد و در شرایطی که دسترسی به کمک‌های بیرونی قطع شده بود، به بیش از ۷,۰۰۰ نفر در ۱۳ روستا و محله کمک کردند. در اوکچی، کامبوج، جوانانی که در برنامه‌های اخلاقی و معنوی برای خدمت به جامعه توان‌افزایی شده بودند، به صورت جمعی طرحی محلی برای کاشت درخت طراحی و اجرا کردند که سال بعد، هنگام وقوع سیلاب شدید، بخشی از جاده‌ها را از فرسایش خاک نجات داد. این تلاش‌ها، هرچند ساده، نشان می‌دهند که پرورش جوامع شمول‌پذیر و منسجم چگونه می‌تواند نه تنها عزم تاب‌آوری و بقا را تقویت کند، بلکه زمینه زندگی کردن به معنای واقعی را نیز فراهم کند.

جامعه، یکی از اجزای سازنده عرصه جهانی، می‌تواند فضایی فراهم کند که در آن شیوه‌های بدیل، شمول‌پذیر و مبتنی بر همکاری زندگی مجال بروز بیابد؛ جایی که مردان زنان را شریکانی برابر می‌بینند و زمینه توان‌افزایی همگان برای پرورش توانایی‌های رهبری فراهم می‌شود. الگوهای نوین زندگی جامعه که از پایه شکل می‌گیرند، در چارچوب تلاشی بزرگ‌تر در سطح جهانی جای می‌گیرند؛ هم‌زمان، جوامعی که می‌آموزند اصل برابری جنسیتی را در همه شرایط و به سود همگان به کار بگیرند، به بدنه رو به رشدی از دانش در سطح بین‌المللی کمک می‌کنند. این فرایند می‌تواند اشکال گوناگونی داشته باشد. جامعه بهائی در سراسر جهان، به نوبه خود و همراه با دیگران، در حال آموختن کاربرد اصول معنوی در زندگی جامعه برای برطرف کردن موانع تبعیض‌آمیز مشارکت زنان است. برنامه‌های آموزش اخلاقی نگرش‌هایی چون یگانگی و همدلی را از سنین کودکی نهادینه می‌کنند تا شرکت‌کنندگان یکدیگر را همراهانی ارزشمند در مسیر رفاه جوامع خود بدانند. در مرکز این فرایند، مفهوم توانمندسازی قرار دارد؛ یعنی افزایش توانایی شرکت‌کنندگان برای درک بهتر واقعیت‌های مادی، اجتماعی و معنوی اجتماعات خود تا بتوانند به

صورت جمعی گام‌های بعدی در مسیر پیشرفت خود را تعیین و از خدمت احساس رضایت کنند. برای تحقق این هدف، فضاها یی به صورت طبیعی شکل گرفته است که افراد در آن با هم درباره چالش‌های خود تأمل می‌کنند، پاسخ‌های سازنده را شناسایی می‌کنند و درباره معنای عمیق‌تر زندگی می‌اندیشند. این فضاها می‌توانند جایگاهی برای بروز امید در شرایط دشوار و تقویت

همبستگی باشند. نمونه‌های یادشده نشان می‌دهند که توانمندی‌ها، نگرش‌ها و ویژگی‌های جامعه می‌توانند تاب‌آوری آن را در برابر رخداد‌های شدید یا فشارهای مداوم محیط‌زیستی تقویت کنند. سازمان ملل متحد در موقعیتی منحصربه‌فرد قرار دارد تا نشان دهد که چنین فرهنگی از برابری در سطح بین‌المللی چگونه می‌تواند جلوه‌گر شود؛ برای نمونه، با ایجاد فضا‌های باز گفت‌وگو میان نهادهایش، هماهنگ‌سازی فرایندهای متنوع

می‌توان ملاحظات مهمی، از جمله چگونگی بازاریابی ترتیبات موسساتی و اجتماعی برای فراهم آوردن مشارکت معنادار زنان، و نیز چگونگی شکل‌دادن به اجتماعات منسجم حتی پیش از آغاز فاجعه، را به صورت دوره‌ای در مجامع بین‌المللی مانند این کمیسیون بازبینی کرد.

مرتبط با برابری جنسیتی و شمول‌پذیری، و آموختن اینکه چگونه ساختار داخلی این سازمان می‌تواند هرچه بیشتر بازتاب‌دهنده این اصول باشد. سازمان ملل متحد همچنین بی‌تردید در تدوین سیاست‌های بین‌المللی که درک ضرورت برابری جنسیتی را عمیق‌تر می‌کنند و در تشویق تأمین مالی پروژه‌های پشتیبان آن سیاست‌ها، نقشی کلیدی خواهد داشت. این سازمان همچنین می‌تواند تسهیلگر فرآیندی باشد که از طریق آن دانش تولیدشده توسط کنشگران در هر سطح به اشتراک

گذاشته می‌شود. در این راستا، می‌توان ملاحظات مهمی، از جمله چگونگی بازآرایی ترتیبات موسساتی و اجتماعی برای فراهم آوردن مشارکت معنادار زنان و نیز چگونگی شکل‌دادن به اجتماعات منسجم حتی پیش از آغاز فاجعه را به‌صورت دوره‌ای در مجامع بین‌المللی مانند این کمیسیون بازبینی کرد.

وضعیت جهان امروز حاکی از آن است که تجربه‌های جمعی بشر

درهم‌تنیده‌اند و پاسخ‌های مؤثر مستلزم حضور طیف کامل دیدگاه‌ها در همه سطوح حکمرانی است. اکنون نمونه‌هایی در حال پدیدار شدن هستند که در آن‌ها جلوه‌های بالغ‌تر حیات جامعه و ترتیبات موسساتی امکان آن را فراهم کرده‌اند تا زنان در مواجهه با دشواری‌های محلی و فاجعه‌های جهانی، به‌عنوان کنشگران مؤثر، نقش رهبری را بر عهده بگیرند. دقیقاً در دوران تلاطم است که فرصت‌های عمیقی برای بازتعریف ارزش‌های جمعی و پیش‌فرض‌های زیربنایی آن‌ها پدید می‌آید. چالش‌های ناشی از تغییرات اقلیمی باید کاتالیزوری برای پذیرش رویکردهای نو در حکمرانی شمول‌پذیر و نیز الگوهای عادلانه زندگی جامعه باشند؛ الگوهایی که بروز تمام طیف تجربه انسانی را ممکن سازند.

چالش‌های ناشی از تغییرات اقلیمی باید کاتالیزوری برای پذیرش رویکردهای نو در حکمرانی شمول‌پذیر و نیز الگوهای عادلانه زندگی جامعه باشند؛ الگوهایی که بروز تمام طیف تجربه انسانی را ممکن سازند.

# Bahá'í International Community

Copyright © 2021 Bahá'í International Community

866 United Nations Plaza, Suite 120  
New York, NY 10017, USA  
[www.bic.org](http://www.bic.org)

Cover image adapted from  
“Lone tree of padarn lake,” by Hefin Owen,  
licensed under CC BY-SA 2.0